

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# آموزش روش تحقیق عمومی

(با تأکید بر کاربرد علم منطق و اصول فقه)

جمعی از پژوهشگران حوزه آزاد

جامعه الزهراء (ع.ا.ع.ا)



انتشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: آموزش روش تحقیق عمومی (با تأکید بر کاربرد علم منطق و اصول فقه)  
مؤلف: جمعی از پژوهشگران حوزه آزاد جامعه الزهرا (علیها السلام)  
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام و جامعه الزهرا (علیها السلام) حوزه علمیه قم  
طراح جلد و مشاور هنری: رسول خسروبیگی  
نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا  
چاپ و صحافی: هوشنگی قم  
چاپ اول: ۱۴۰۱  
قیمت: ۱/۸۰۰/۰۰۰ ریال  
شمارگان: ۵۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۰۱-۰

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳  
تلفن: ۰۶۶۹۵۴۶۰۳. تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱  
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • [E-mail: pub@isu.ac.ir](mailto:pub@isu.ac.ir)

عنوان و نام پدیدآور: آموزش روش تحقیق عمومی (با تأکید بر کاربرد علم منطق و اصول فقه) /  
جمعی از پژوهشگران حوزه آزاد جامعه الزهرا (علیها السلام).  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام): جامعه الزهرا (علیها السلام) حوزه  
علمیه قم، ۱۴۰۱.  
مشخصات ظاهری: ۳۹۱ ص / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۰۱-۰  
موضوع: تحقیق -- روش شناسی / موضوع: طرح نویسی در تحقیق  
موضوع: تحقیق -- جنبه های مذهبی - اسلام / موضوع: منطق  
شناسه افزوده: جامعه الزهرا (علیها السلام) حوزه علمیه قم.  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)  
رده بندی کنگره: Q ۱۸۰/۵۵ رده بندی دیویی: ۰۰۱/۴۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۷۷۴۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی باشد.  
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

## فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر.....
۱۳	مقدمه.....
۱۹	کلیات.....
۱۹	۱. مفهوم شناسی.....
۲۰	۱-۱. روش.....
۲۰	۲-۱. تحقیق.....
۲۰	۳-۱. پژوهش.....
۲۱	۴-۱. روش شناسی.....
۲۲	۵-۱. منطق.....
۲۳	۶-۱. فکر.....
۲۳	۷-۱. روش علمی.....
۲۵	۸-۱. روش تحقیق عمومی.....
۲۶	۹-۱. معرفت شناسی.....
۲۶	۱۰-۱. اصول فقه.....
۲۷	۱۱-۱. کاربرد.....
۲۷	۱۲-۱. تبیین رابطه ها.....
۳۲	۲. پیشینه.....
۳۲	۱-۲. پیشینه علم و روش تحقیق در غرب.....
۳۲	مقطع اول: قرون قدیم.....
۳۴	مقطع دوم: قرون وسطی (۴۰۰-۱۵۰۰ م).....
۳۶	مقطع سوم: رنسانس.....
۳۶	مقطع چهارم: قرون جدید.....
۳۷	مقطع پنجم: پست مدرن.....

۳۸	۲-۲. پیشینه علم در اسلام.....
۶۸	۳. ضرورت و اهمیت .....
۶۶	۳-۱. اهمیت و فواید تحقیق .....
۶۶	۳-۱-۱. آموختن مهارت‌های مفید .....
۷۰	۳-۱-۲. رفع نیاز فطری .....
۷۱	۳-۱-۳. پژوهش، بهترین روش آموزش .....
۷۱	۳-۲. ضرورت و اهمیت روش تحقیق .....
۷۶	۳-۲-۱. ضرورت و اهمیت علم منطق .....
۷۸	۳-۲-۲. ضرورت و اهمیت اصول فقه .....
۷۹	۳-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش پیرامون روش تحقیق .....
۸۳	۴. جنس روش تحقیق .....
۸۳	۵. مرتبه روش تحقیق .....
۸۴	۶. تقسیمات اصلی روش تحقیق .....
۸۴	۷. شیوه‌های تعلیم روش تحقیق .....
۸۵	۸. رابطه روش تحقیق و جهان بینی محقق .....
۹۸	۹. ویژگی‌های محقق .....
۱۱۱	<b>فصل اول: انواع تحقیق .....</b>
۱۱۳	۱-۱. تعداد افراد .....
۱۱۳	۱-۱-۱. تحقیق فردی .....
۱۱۳	۱-۱-۲. تحقیق گروهی .....
۱۱۹	۱-۲. ماهیت داده‌ها .....
۱۱۹	۱-۲-۱. تحقیق کیفی .....
۱۲۱	۱-۲-۲. تحقیق کمی .....
۱۲۴	۱-۲-۳. تحقیق ترکیبی .....
۱۲۶	۱-۳. هدف .....
۱۲۶	۱-۳-۱. تحقیقات بنیادی .....
۱۲۸	۱-۳-۲. تحقیقات کاربردی .....
۱۲۸	۱-۳-۳. توسعه‌ای .....
۱۲۹	۱-۳-۴. ارزیابی .....
۱۲۹	۱-۴. زمان .....

۱۲۹.....	۱-۴-۱. تحقیق تاریخی .....
۱۳۰.....	۲-۴-۱. تحقیق پیمایشی.....
۱۳۰.....	۳-۴-۱. تحقیق آزمایشی.....
۱۳۱.....	۵-۱. ژرفایی .....
۱۳۱.....	۱-۵-۱. پهنانگر.....
۱۳۱.....	۲-۵-۱. ژرفانگر.....
۱۳۲.....	۶-۱. نوع داده‌ها .....
۱۳۲.....	۱-۶-۱. پژوهش عقلی.....
۱۳۳.....	۲-۶-۱. پژوهش نقلی.....
۱۳۳.....	۷-۱. نوع جمع‌آوری اطلاعات.....
۱۳۴.....	۱-۷-۱. تحقیقات میدانی.....
۱۵۸.....	۲-۷-۱. تحقیقات کتابخانه‌ای.....
۱۶۱.....	۸-۱. روش‌های تحقیق.....
۱۶۱.....	۱-۸-۱. کلیات.....
۱۶۴.....	۲-۸-۱. اقسام.....
۲۶۴.....	مروری بر نکته‌های فصل اول .....
<b>۲۶۹.....</b>	<b>فصل دوم: مراحل تحقیق .....</b>
۲۷۰.....	مرحله اول: مقدمات.....
۲۷۰.....	۱. طراحی نخستین نقشه.....
۲۷۰.....	۲. انتخاب موضوع.....
۲۷۲.....	۳. منبع‌شناسی.....
۲۷۲.....	۱-۳. انواع کتابخانه.....
۲۷۳.....	۲-۳. رده‌بندی کتاب‌ها.....
۲۷۴.....	۳-۳. راه‌های شناخت منابع.....
۲۷۵.....	۴-۳. منابع مرجع.....
۲۷۶.....	۵-۳. انواع منبع.....
۲۷۷.....	۴. مطالعه اجمالی.....
۲۷۸.....	۱-۴. هدف و فواید.....
۲۷۸.....	۲-۴. روش مطالعه اجمالی.....
۲۸۰.....	مرحله دوم: جمع‌آوری داده‌ها .....

۲۸۰	۱. تهیه شناسنامه کتاب ها
۲۸۲	۲. تنظیم شناسنامه ها
۲۸۳	۳. تهیه جدول فهرست مطالب
۲۸۳	۴. تنظیم و پردازش جدول ها
۲۸۶	۵. طرح نویسی
۲۸۶	۵-۱. تعریف و ضرورت
۲۸۷	۵-۲. عناصر و ساختار طرح تحقیق
۲۸۷	۵-۲-۱. بیان مسئله
۲۸۹	۵-۲-۲. فرضیه و حدس
۲۹۲	۵-۲-۳. تاریخچه / سابقه موضوع (مسئله) تحقیق / پیشینه تحقیق
۲۹۳	۵-۲-۴. اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق
۲۹۳	۵-۲-۵. اهداف تحقیق
۲۹۴	۵-۲-۶. نوع پژوهش
۲۹۵	۵-۲-۷. سازماندهی
۲۹۶	۵-۲-۸. تعریف مفاهیم کلیدی
۲۹۶	۵-۲-۹. مشکلات
۲۹۶	۵-۲-۱۰. منابع پژوهشی (فهرست منابع)
۲۹۶	۶. مطالعه تفصیلی
۲۹۷	۷. یادداشت برداری
۲۹۸	۷-۱. شکل ها
۲۹۹	۷-۲. اصول و آسیب ها
۳۰۳	مرحله سوم: توصیف، تحلیل و کشف
۳۰۴	۱. بررسی محتوای فیش ها
۳۰۴	۱-۱. شیوه توصیف
۳۰۵	۱-۱-۱. علم منطق
۳۰۶	الف. مباحث الفاظ
۳۰۸	ب. محورهای هشت گانه
۳۰۹	ج. پرسش های اساسی
۳۱۰	۱-۲. علم اصول فقه
۳۱۱	۱-۲. شیوه تحلیل



۳۱۲.....	۱-۲-۱. علم منطق
۳۱۳.....	۲-۲-۱. اصول فقه
۳۱۴.....	۳-۱. شیوه کشف
۳۱۵.....	۱-۳-۱. استقرا و روش جدول‌ها
۳۱۸.....	۲-۳-۱. مدل‌های علی
۳۲۱.....	۳-۳-۱. برهان، ترازوی سنجش صحت
۳۲۳.....	۴-۳-۱. آیات قرآن، گزاره‌های یقینی
۳۲۴.....	۲. تقسیم فیش‌ها
۳۲۵.....	۳. پیرایش یادداشت‌ها
۳۲۶.....	۴. چینش ستونی فیش‌ها
۳۲۶.....	۵. طرح و نقشه مجدد
۳۲۷.....	۶. تنظیم دوباره فیش‌ها
۳۲۷.....	مرحله چهارم: تدوین و تألیف
۳۲۸.....	۱. نگارش پیش‌نویس اول
۳۲۸.....	۱-۱. عناصر نوشتار
۳۲۸.....	۲-۱. ساختار کلیات
۳۲۹.....	۱-۲-۱. مفهوم‌شناسی
۳۳۲.....	۲-۲-۱. پیشینه
۳۳۳.....	۳-۲-۱. ضرورت
۳۳۴.....	۳-۱. محورهای مهم تحقیق
۳۳۴.....	۲. مرور پیش‌نویس اول
۳۳۵.....	۳. نگارش پیش‌نویس دوم
۳۳۵.....	۴. مرور پیش‌نویس دوم
۳۳۶.....	۵. پاک‌نویس
۳۳۶.....	۶. بایگانی فیش‌ها
۳۳۶.....	پایان سخن
۳۳۹.....	تمارین
۳۴۷.....	منابع و مأخذ
۳۷۱.....	نمایه

## فهرست نمودارها و جداول

نمودار ۱: سیر تفکر منطقی.....	۲۳
نمودار ۲: سیر تاریخی فرهنگ و تمدن اسلامی.....	۳۸
نمودار ۳: فراگیری مهارت‌ها از راه آموزش و پژوهش توسط گروه تفسیر و گروه‌های پژوهشی غیرتفسیر.....	۶۹
نمودار ۴: زنجیره احیای تمدن اسلامی.....	۸۳
نمودار ۵: اجزای سیستم معرفتی مکاتب.....	۹۱
نمودار ۶: بخشی از سیستم معرفتی مکتب اسلام.....	۹۳
نمودار ۷: هرم علوم بشری.....	۹۵
نمودار ۸: اجزای سیستم معرفتی اسلام.....	۹۵
نمودار ۹: وظایف مشترک و خاص استاد و دانش‌پژوه.....	۱۰۶
نمودار ۱۰: وظایف خاص دانش‌پژوه.....	۱۰۶
نمودار ۱۱: مراحل کارگاه آموزشی - پژوهشی (با الهام از روش سامرای).....	۱۱۸
نمودار ۱۲: انواع طرح‌های پژوهشی ترکیبی.....	۱۲۶
نمودار ۱۳: رابطه تحقیقات کاربردی و بنیادی.....	۱۲۸
نمودار ۱۴: منحنی فعالیت‌های تفریحی مردم و برنامه‌های تفریحی تلویزیون.....	۱۵۲
نمودار ۱۵: رده‌بندی کنگره.....	۲۷۴
نمودار ۱۶: انواع منابع اطلاعاتی.....	۲۷۶
نمودار ۱۷: مدل سه متغیره یک‌سویه.....	۳۱۹
نمودار ۱۸: مدل نظریه دورکیم - هاکبواکس در مورد خودکشی.....	۳۱۹
نمودار ۱۹: مدل سه متغیره دوسویه.....	۳۲۱
جدول ۱: ده رده اصلی طبقه‌بندی دیوئی.....	۲۷۳
جدول ۲: کارت شناسنامه کتاب.....	۲۸۲
جدول ۳: کارت شناسنامه مقاله.....	۲۸۲
جدول ۴: فهرست مطالب بر اساس موضوع اصلی.....	۲۸۴
جدول ۵: فهرست مطالب بر اساس موضوع‌های کتاب.....	۲۸۴

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه نمل / آیه شریفه ۱۵)

## سختن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش پردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و

نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

و الله الحمد  
معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

بشر، به طور فطری، کنجکاو و شیفته درک حقیقت آفریده شده است. «حق» یکی از اسمای الهی<sup>۱</sup> و حقیقت جویی، حق طلبی، گرایش به حقیقت و... پرتویی از اسم حق در عالم است. تحقیق و پژوهش به عنوان یکی از لذت بخش ترین فعالیت های بشری، کشف حقیقت را غایت نهایی خویش می داند. عشق به حقیقت، در دامنه ای بسیار وسیع که از درک حقایق جهان مادی آغاز و تا اوج معرفت به حق مطلق و قرب به او گسترده می شود، انسان را به سمت خویش جذب می کند.<sup>۲</sup>

در واقع، تمدن به معنای دقیق، دارای دو رکن اساسی: علم و اخلاق و هر رکن دارای ریشه و پایه هایی است. در رکن اول، پیشرفت و توسعه علوم و دانش های گوناگون، شاخص و معیار تمدن می باشد، این رشد و گسترش نیز در صورتی تمدن ساز است که به تولید دانش و ابداعات علمی منجر شود، اختراع و نظریه پردازی نیز فرزند پژوهش عمیق و تحقیق علمی ضابطه مند است و در نهایت، تحقیق علمی و کشف حقیقت، مدیون «روش تحقیق» علمی دقیق،

۱. (حج، ۶ و ۶۲).

۲. یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ اِنك كَادُخُ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَّاقِيهِ (انشقاق، ۶).

جامع و کارآمد است، یعنی از نظر علمی، حلقه‌های سلسله تمدن بشری به حلقه روش تحقیق می‌رسد.

سیر نگارش‌هایی که در موضوع تاریخ علم، فلسفه علم و ... پدید آمده‌اند، نشان می‌دهد روش تحقیق در سایه علوم مختلف، همواره مورد توجه بوده و در سده اخیر نیز «روش تحقیق» به عنوان علمی مستقل مورد عنایت ویژه قرار گرفته است، اما ارتباط این علم با دانش‌ها و موضوعاتی مانند معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، منطق و اصول فقه، به صورت جدی و مستقل بررسی و پیگیری نشده است. بر اساس تحقیقات انجام شده، کتاب «منطق، تئوری تحقیق» از جان دیوئی (۱۹۰۳م) تنها کتابی است که به صورت مستقل، پیوند روش تحقیق با علم منطق را بررسی کرده است. در مورد ارتباط روش تحقیق با علم اصول فقه و منطق، مقالات و مصاحبه‌هایی وجود دارد که تعداد آنان فراوان نیست.

واکاوی «کاربرد منطق و اصول فقه در روش تحقیق» به عنوان دغدغه‌ای جدی و مسئله‌ای مهم، مطرح است، توضیح این‌که: تمدن اعجاب‌آفرین مسلمانان در سده‌های نخستین ظهور اسلام و پیشرفت خیره‌کننده علوم عقلی و نقلی که زمینه‌ساز رنسانس در غرب شد؛ محصول روش تحقیقی علمی، جامع و کارآمد بوده است. دستیابی به این شیوه پژوهش، یافتن نقاط ضعف و قوت و به‌روز کردن و تکمیل این روش، می‌تواند یکی از دغدغه‌های اساسی هر پژوهشگر، برای احیای تمدن اسلامی باشد.

با نگاهی به موضوعات روش تحقیق، منطق و اصول فقه می‌توان به این «حدس علمی» رسید که حیطه‌های مشترک فراوانی بین این سه علم وجود دارد و از طریق به‌کارگیری مباحث علم منطق و بخش اول اصول فقه در روش تحقیق، می‌توان بر غنا، عمق و وسعت روش تحقیق افزود.

با توجه به مطالب گفته شده، چند سؤال مهم، ذهن پژوهشگران و اندیشمندان را به خود مشغول می‌سازد:

۱. دانشمندی چون سقراط، افلاطون، ارسطو، تالس، گالیله، دکارت، کانت،

بیکن، میل، دیوئی، راسل و ... در مغرب‌زمین و اندیشمندانی چون: فارابی، بوعلی، ابن جزری، ابن هیثم، طوسی، ملاصدرا، مجلسی و ... چه روش تحقیقی داشته‌اند؟ ایشان از چه شیوه‌ای برای تولید علم و نظریه‌پردازی سود می‌برده‌اند؟

۲. منطق و اصول فقه به عنوان دو روش کهن، چه اندازه در مجد علمی و عظمت تمدن اسلامی نقش داشته‌اند؟

۳. منطق قدیم و جدید و اصول فقه، چه میزان در تکمیل و توسعه علم روش تحقیق، کاربرد دارند؟

۴. برای آموزش «روش تحقیق» به دانش‌پژوهان، چگونه از علم منطق و اصول فقه می‌توان سود جست؟ به عبارت دیگر چه مباحثی از منطق و اصول فقه، در تحلیل موضوعات تحقیقی، کشف علت و دستیابی به حقیقت، می‌تواند کمک‌کار محقق باشد؟

۵. مباحث مربوط به معرفت‌شناسی، جهان‌بینی و اخلاق، تا چه حد در علم روش تحقیق، مؤثر هستند؟

پاسخ‌گویی صحیح به پرسش‌های پیش‌گفته، می‌تواند راه رسیدن به چند هدف را هموار سازد:

۱. نگاه نو به علم منطق و بحث الفاظ اصول فقه به عنوان روش تحقیق؛  
۲. استفاده کاربردی از دو علم گفته‌شده، جهت تکمیل و تصحیح روش تحقیق متداول؛

۳. تدوین کتابی در روش تحقیق که به صورت نظری و عملی، کاربردهای منطق و مباحثی از علم اصول فقه را در جای‌جای مباحث مربوط به روش تحقیق، به دانش‌پژوهان نشان دهد.

۴. جلب نظر پژوهشگران به تأثیر جدی موضوعات معرفت‌شناسی، جهان‌بینی و اخلاق در روند و نتایج پژوهش؛

۵. ایجاد خودباوری، احساس مسئولیت و مقابله با تهاجم فکری - فرهنگی در نسل جوان، به کمک پیشینه غنی پژوهشی و تمدن عظیم اسلامی.

به طور کلی بررسی کاربردهای منطق و اصول فقه در روش تحقیق، در دو محور اساسی، خلاصه می‌شود:

۱. مشترکات: میان روش تحقیق، منطق و اصول فقه نقاط اشتراک کلی فراوان یافت می‌شود؛ مانند توجه به تعریف و مباحث واژه‌شناسی؛ تعیین کشف حقیقت به عنوان هدف؛ تکیه بر توصیف، تحلیل و کشف؛ استفاده از استقرا، تمثیل و برهان؛ عنایت به روش‌شناسی (منطق عملی)؛
۲. تفاوت‌ها: سه علم روش تحقیق، منطق و اصول فقه، بر محورهای ویژه‌ای پا می‌فشارند:

۱-۲. روش تحقیق؛ بر شیوه‌ها، مراحل و مهارت‌هایی که توسط پژوهنده باید به کار گرفته شوند، تکیه می‌کند. در این علم، مطالعات میدانی، تجربی، موردی و کمی دارای ارزش فراوان هستند و نسبت به روش قیاسی - به ویژه برهان - عنایت خاصی وجود نداشته و تکیه بر استقراست.

۲-۲. علم منطق؛ معرفی قواعد ذهن، روش تفکر و استدلال قیاسی برهانی، هدف اساسی این علم است و مطالعات تجربی استقرایی، مقصود عمده منطق دانان را تشکیل نمی‌دهد.

۲-۳. اصول فقه؛ قسمت اول علم اصول فقه که به مباحث الفاظ اختصاص یافته، به معانی واژه‌ها و قواعد لفظی - عقلی، توجه فراوان دارد و به نوعی، تفسیر متون و متن‌پژوهی را آموزش داده و از بسیاری مغالطات جلوگیری می‌کند.



## کلیات

۱. مفهوم‌شناسی
  - تبیین رابطه‌ها
۲. پیشینه علم
  - ۱-۲. غرب
  - ۲-۲. اسلام
۳. ضرورت و اهمیت
۴. جنس روش تحقیق
۵. مرتبه و روش تحقیق
۶. تقسیم‌های اصلی
۷. شیوه‌های تعلیم
۸. رابطه روش تحقیق با جهان بینی
۹. ویژگی‌های محقق



## کلیات

برای معرفی هر موضوع یا دانشی، باید ابعاد مهم آن را در معرض تماشای علمی گذاشت. مفهوم‌شناسی، پیشینه، ضرورت و اهمیت؛ زوایایی هستند که در هر پژوهشی، بر اساس روش تحقیق متداول، مورد بررسی قرار می‌گیرند، اما علمای گذشته، با دید وسیع‌تر، برای تبیین یک علم، در ابتدا هشت محور اصلی (رئوس ثمانیه) را مورد نظر قرار می‌دادند: نام علم، مؤلف، غرض، منفعت، جنس علم، مرتبه علم، تقسیمات و روش‌های تعلیم (ملا عبدالله، ۱۳۶۳، ص ۱۱۹-۱۲۱). نوشتار حاضر، با استفاده از همین محورهای هشت‌گانه و با مقداری تغییر، به معرفی روش تحقیق، پرداخته است:

### ۱. مفهوم‌شناسی

یکی از نکات اساسی و دقیق، در بررسی هر علم یا موضوع، مشخص کردن معانی و فضای مفهومی واژه‌های آن است؛ این مهم توسط تعاریف و در دو مرحله انجام می‌شود: تعریف واژه‌ها، تبیین رابطه‌ها. ابتدا لازم است به منظور رسیدن به فهم مشترک، واژگان کلیدی مانند: روش، تحقیق، پژوهش، روش‌شناسی، روش علمی، روش تحقیق و واژه‌های مرتبط با روش تحقیق (منطق و فکر) تعریف شوند:

**۱-۱. روش<sup>۱</sup>**

در لغت، روش به معنای راه رفتن (تبریزی، ۱۳۷۶)، و در اصطلاح، روش، مجموعه راه‌ها، قواعد و ابزار یا فنونی است که آدمی را به حل مجهولات یا گسترش دامنه دانش، رهبری می‌کند (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۴۸۹ / شاله، ۱۳۵۵، ص ۲۲ و ۵۱ / بیرو، ۱۳۶۶، ص ۲۲۳ / سووه، ۱۳۵۴، ص ۲۵۴ / ر.ک: Gordon, 1993, p.155).

**۲-۱. تحقیق**

در لغت از ریشه «حق» به معنای خلاف باطل، حقیقت امر (جوهری، ۱۳۶۸)، ثبوت مطابق با واقع (مصطفوی، ۱۳۷۴)، رسیدن به کنه مطلب، واقع چیزی را به دست آوردن (دهخدا، ۱۳۶۲) و از نظر اصطلاح؛ پژوهش، تلاش کاوشگرانه‌ای است که با آداب خاصی به طور نظام یافته، با هدف کشف مجهول و به منظور گسترش قلمرو معرفتی بشر انجام می‌شود. این تلاش تحقیقاتی می‌تواند در تمام حوزه‌های معرفتی اعم از حیطه علوم مادی (فیزیکی)، انسانی، الهی و فراطبیعی انجام پذیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۲؛ ر.ک: Juppe, 2006, p.265)؛ برخی معتقدند پژوهش راهی برای شناخت جهان است و آنچه در آن اتفاق می‌افتد (Dengue, 1994, p. 4)؛ در نهایت، به نظر می‌رسد، تحقیق، کوششی ذهنی و روشمند است که به کمک استدلال، برای دستیابی به حقیقت یا گسترش مرزهای دانش یا رسیدن به واقعیت انجام می‌شود. عناصر مهم در تعریف تحقیق عبارت‌اند از: دستیابی به حقیقت، استدلال، روشمندی.<sup>۲</sup>

**۳-۱. پژوهش**

این واژه در لغت، به معنای تجسس (تبریزی، ۱۳۷۶)، پی‌جویی، بحث، بازجستن، تفقه (دهخدا، ۱۳۶۲)، رسیدگی و جستجو است (عمید، ۱۳۷۴) و از

**1. Method.**

۲. در حال حاضر واژه «تحقیق» دست‌کم در سه مورد به کار می‌رود: ۱. روند و جریان پژوهش علمی؛ ۲. کار و عمل پژوهش علمی؛ ۳. حاصل و نتیجه پژوهش علمی، که در مورد اخیر، به صورت جمع به کار رفته و گفته می‌شود: «این کتاب، تحقیقات نویسنده است» که منظور، حاصل تحقیق است.

نظر اصطلاح، نوعی کوشش معرفتی است که در راستای امور زیر انجام می‌شود:  
 الف. جواب موجه به پرسش‌هایی که تاکنون به آن‌ها پاسخ داده نشده است؛  
 ب. جواب جدید به پرسش‌هایی که قبلاً پاسخ داده شده است (آریان پور، ۱۳۵۴، ص ۱۰).

همچنین گفته‌اند: پژوهش، به معنی پردازش اطلاعات، با فرایند نظام‌مند می‌باشد که متعلق به گستره خاصی از علوم، دارای هویت جمعی و متضمن نوآوری است (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

در بیشتر موارد، واژه «پژوهش» با «تحقیق» مترادف انگاشته شده در حالی که بار معنایی «به حقیقت رسیدن» در پژوهش، مورد تأکید نیست.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. روش‌شناسی<sup>۲</sup>

روش‌شناسی، از شیوه‌های گوناگون پژوهش در علوم مختلف، بحث می‌کند. مفهوم روش‌شناسی از چند منظر قابل بررسی است:

**دیدگاه اول:** بعضی، روش‌شناسی را شاخه‌ای از فلسفه علم دانسته‌اند. (خاکی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۳؛ ازکیا، ۱۳۸۲، ص ۸۹-۹۰؛ گولد و کولب، ۱۳۷۶، ص ۴۶۸-۴۶۹).

**دیدگاه دوم:** روش‌شناسی عبارت از این است که ما چگونه دنیا را می‌شناسیم یا درباره آن کسب دانش می‌کنیم (Dentin, 1994, p. 4).

**دیدگاه سوم:** متدولوژی یا روش‌شناسی رشته‌ای از علم منطق است که به طور منطقی، روش‌های قاعده‌مند بررسی علوم مختلف را معرفی می‌کند. به عنوان نمونه نشان می‌دهد که در علوم زیستی از روش تجربی استفاده می‌شود. در واقع، علم منطق دارای دو نوع قانون است: قوانینی برای صحیح فکر کردن و قواعدی جهت انتخاب مواد شایسته و صحیح. قسم اول، منطق صوری<sup>۳</sup> یا عمومی<sup>۴</sup> و

۱. در مورد تفاوت «پژوهش» و «تحقیق»؛ در قسمت «رابطه‌ها» توضیحاتی خواهد آمد.

2. Methodology.

3. Formal logic.

4. General logic.

قسم دوم منطق عملی<sup>۱</sup>، اختصاصی<sup>۲</sup> یا روش‌شناسی نام دارد. به عبارت دیگر، در «منطق صوری»، قوانین کلی فکر که برگرفته از طبیعت خود فکر و مشتق از اصول اولیه ذهن است؛ کشف می‌شود و در «منطق عملی»، قواعد اختصاصی یا روش‌های مخصوص، به دست می‌آید که بر حسب موضوعات علوم مختلف؛ باید رعایت شوند. یعنی روش‌های گوناگونی که علوم باید در تحقیقات خود به کار گیرند؛ در روش‌شناسی بررسی می‌شود (خوانساری، ۱۳۶۱، ص ۳ و ۴/ شاله، ۱۳۵۵، ص ۲۴-۲۵/ سجادی، ۱۳۷۸، ص ۶۹-۷۰/ ازکیا، ۱۳۸۲، ص ۸۸/ سیاسی، ۱۳۵۲، ص ۸۵ و ۱۱۱). بر اساس این دیدگاه، روش‌شناسی شاخه‌ای از علم منطق است. با توجه به تعاریف پیش‌گفته چنین به نظر می‌رسد که اساس تحقیق، بر شیوه تفکر صحیح و منظم بنا نهاده شده است؛ از آنجاکه علم منطق، دانشی است که عهده‌دار بیان شیوه تفکر و اندیشیدن قانون‌مند و درست است و از طرف دیگر، فرایند تحقیق و تفکر منطقی، «حرکت فکر» بر اساس قوانین ذهن می‌باشد؛ در اینجا مناسب است به تعریف منطق و فکر نیز پردازیم:

### ۱-۵. منطق<sup>۳</sup>

علم منطق از دانش‌های مقدماتی است<sup>۴</sup> که آن را چنین تعریف کرده‌اند: مجموعه‌ای از قوانین کلی و ابزاری که مراعات و به کار بستن آن‌ها ذهن را از خطای در تفکر حفظ می‌کند (ابن سینا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹/ سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۹/ کاتبی، ۱۳۸۲، ص ۵۲/ مظفر، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۲/ Jury, 1993, p. 361).

۱. Applique logic.

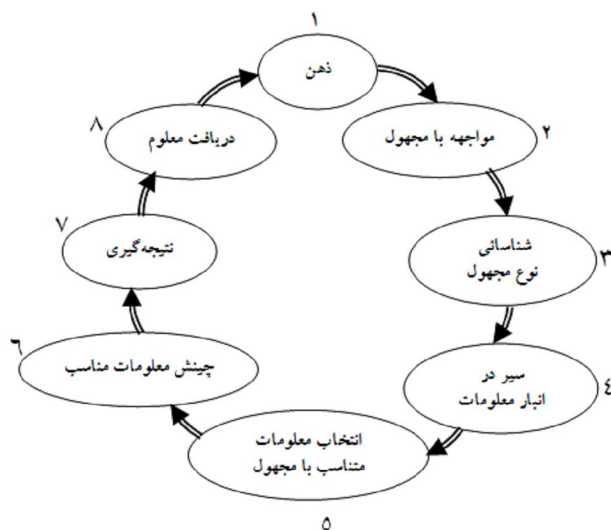
۲. Special logic.

۳. برخی، منطق ارسطویی را منطق کلاسیک و قدیم (Traditional Logic) خوانده‌اند، اما در مقابل، گروهی منطق جدید را منطق ریاضی و کلاسیک (Classical Logic) نامیده و آن را به «علم استلزامات» تعریف کرده‌اند، ولی همه در این مطلب که منطق، روش تفکر صحیح است؛ اجماع دارند. برای اطلاع از منطق جدید و تفاوت‌های آن با منطق قدیم (ر.ک: درآمدی به منطق جدید، ضیاء موحد/ مبانی منطق جدید، لطف‌الله نبوی/ مقاله «تمایزات مبانی منطق جدید و قدیم»، ضیاء موحد، نامه مفید، ش ۱۰/ مقاله «مبانی منطق جدید»، لطف‌الله نبوی، کتاب ماه (ادبیات)، ش ۳۴).

۴. در مورد اینکه منطق، علم یا ابزار یا هر دو است، نظرات علما، مختلف است.

### ۶-۱. فکر

حرکت عقل بین معلوم و مجهول را فکر گویند. مراحل شش‌گانه‌ای که عقل هنگام تفکر پشت سر می‌گذارد عبارت‌اند از: الف) روبه‌رو شدن با مشکل یا مجهول. ب) شناسایی نوع مجهول. ج) سیر از مجهول مطلوب به سوی معلومات انبارشده در ذهن. د) جستجو میان معلومات ذهنی، جهت یافتن معلومات متناسب با مجهول. ه) چینش معلومات مناسب کنار هم و نتیجه‌گیری. و) دریافت معلوم<sup>۱</sup> (ابن‌سینا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱ / مظفر، ۱۳۶۲، ص ۲۳).



نمودار ۱: سیر تفکر منطقی

### ۷-۱. روش علمی

علم، در لغت به معنی یقین، معرفت و دانش است (دهخدا، ۱۳۶۲). این واژه در مفهوم کلی<sup>۲</sup> خود بر هر نوع آگاهی نسبت به اشیا، پدیده‌ها، روابط و... اطلاق

۱. استاد مطهری معتقد است: تفکر همان قیاس (سیر از کلی به جزئی) است (ر.ک: آشنایی با علوم اسلامی، منطق و فلسفه، ص ۷۴).

2. Knowledge.

می‌شود و جهان مادی و عالم مجردات مورد شناسایی علمی می‌توانند واقع شوند. به این اعتبار، علم بشر، مجموعه آگاهی‌ها و معلوماتی است که تاکنون نسبت به عالم ماده و معنا، به دست آورده است. البته گاه از واژه علم مفهوم خاص<sup>۱</sup>، در نظر گرفته می‌شود که مترادف با علوم تجربی و طبیعی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۳۰ / حسن‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۵-۱۷). برخی، «تجربی بودن» را جزء عناصر مهم روش‌های علمی قرار داده و گفته‌اند: پژوهش علمی، امری تجربی است و نتیجه نهایی شیوه‌های پژوهش، متکی بر داده‌های تجربی و حاصل آن یک قانون تجربی است (بست، ۱۳۷۱، ص ۳۶ / هومن، ۱۳۷۱، ص ۱۴).

اما برخلاف آنچه این گروه گمان می‌کنند، «تحقیق علمی» تنها در حوزه مادیات و علوم تجربی انجام نمی‌شود و این گمان، به احتمال از مشرب تجربه‌گرایی مایه می‌گیرد و فاقد ارزش و اعتبار است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۱۲). باید توجه داشت که واژه «علم» در اصطلاح «روش علمی» به جای آنکه اشاره به رشته‌های علوم تجربی و موضوع‌های مادی باشد؛ بیشتر به معنای روش یا دیدگاه به کار رفته است و در نتیجه، «روش علمی» شیوه جستجوی منظم و قانون‌مند برای حل مجهولات می‌باشد و در مقابل تقلید کورکورانه، غیرمنطقی و... به کار می‌رود (ر.ک: دلاور، ۱۳۸۵، ص ۴۵ / حسن‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲) و می‌توان نتیجه گرفت «روش علمی» برای تحقیقات علوم انسانی، فلسفی و معارف دینی نیز به کار می‌رود.

برخی معتقدند: «تأکید بر مراحل روش علمی، در واقع تکیه بر علم و تحقیق علمی به معنای عام کلمه است که شامل علوم طبیعی، علوم انسانی، اجتماعی، دانش‌های محض و کاربردی، علوم عقلی و... می‌گردد؛ اگرچه بین این علوم، تفاوت‌های جزئی با رزی وجود دارد» (نبوی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵). باید توجه داشت که برخی اندیشمندان مثل جان دیوئی، روش علمی را با روش تحقیق مترادف می‌دانند (دیوئی، ۱۳۶۹، ص هشت / شریعتمداری، ۱۳۷۳، ص ۵۶).



### ۸-۱. روش تحقیق عمومی

این نوع از روش تحقیق، مقابل «روش تحقیق خاص» است که در مورد روش تحقیق در زمینه خاصی، مثل علوم انسانی سخن می‌گوید. روش تحقیق عام دارای تعریف‌های مختلفی است، مانند:

الف. روش تحقیق، فرایند جستجوی منظم برای مشخص کردن یک موقعیت نامعین است که محقق به منظور انجام آن ابتدا باید مسئله اصلی را شناسایی کند (ازکیا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۱ / سرمد، ۱۳۸۰، ص ۲۲)؛

ب. کلیه وسایل و مراحل جمع‌آوری نظام‌مند اطلاعات و نحوه تجزیه و تحلیل منطقی آن‌ها برای نیل به کشف حقایق راه روش علمی تحقیق می‌گوییم (نبوی، ۱۳۵۴، ص ۸؛ Frankfort, 1992, p. 61؛ Jury, 1993, p. 528 - 529).

ج. مجموعه‌ای از گسستن، ساختن و مقایسه، یعنی بریدن از سوابق ذهنی، ساختن پیش فرض‌ها و مقایسه با واقعیات است (کیوی، ۱۳۷۳، ص ۱۲)؛

د. مجموعه‌ای از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر (قابل اطمینان) و نظام یافته، برای بررسی واقعیات‌ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات است (خاکی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱)؛

ه. چگونگی گردآوری اطلاعات و پردازش آن‌ها به منظور انجام کاری نو، روی متن یا موضوعی کار نشده یا حل مسئله‌ای مجهول است (نکونام، ۱۳۸۶، ص ۳)؛

و. فرایندی که پژوهشگر با کمک آن به صورت استقرایی<sup>۱</sup>، فرضیه‌ای را صورت بندی کرده، سپس با استدلال قیاسی<sup>۲</sup> به کاربرد منطقی فرضیه می‌پردازد (دلاور، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

با توجه به مباحث معرفت‌شناسی، جهان بینی، اخلاق محقق و... که در آینده مطرح خواهد شد، روش تحقیق را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: مجموعه قواعد، ابزارها، مراحل و فنون نظام‌مند است که با کمک حس، عقل و وحی و با

۱. کشف قوانین کلی با کمک جزئیات را استقرا گویند.

۲. بسیر از کلی به جزئی، قیاس نام دارد.

روش استدلال (قیاس، استقرا و تمثیل)، راه تحلیل و کشف واقعیات (مادی، مثالی و عقلی) را نشان می‌دهد، البته دستیابی به مدارج عالی واقعیت، منوط به طهارت درون پژوهشگر است.

**تذکرات: ۱.** آنچه در تعریف «روش تحقیق» ذکر شد، «تعریف لفظی» است؛ چون «روش تحقیق»، موجود حقیقی نیست تا با جنس و فصل، به تعریف حقیقی (حدّ تام) آن بتوان رسید.<sup>۱</sup>

**۲.** روش تحقیق دارای یک معنای عام است که بیان شد، افزون بر آن، هر رشته علمی برای خود، «روش تحقیق خاص» دارد که از آن به «روش‌های تحقیق مضاف» تعبیر و در علم روش‌شناسی (متدلوزی) از آن سخن گفته می‌شود، این موضوع در فصل اول با عنوان «روش‌های تحقیق» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۹-۱. معرفت‌شناسی<sup>۲</sup>

شاخه‌ای از فلسفه است که به ارزشیابی معرفت بشری، حدود، مبانی، ابزار، مبادی دور و نزدیک، میزان اعتماد به دانش و... می‌پردازد. هسته مرکزی این علم، بررسی میزان توان عقل و دستگاه ادراکی بشر برای رسیدن به واقع است (معلمی، ۱۳۸۳، ص ۱۳-۱۵/فعالی، ۱۳۷۹، ص ۲۹/ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸، ص ۱۶/حسین‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۷/۹۲، 2006، p. /Juppe, 1992, p.6 /Frankfort).

### ۱۰-۱. اصول فقه

قواعدی که در طریق استنباط حکم شرعی و وظایف عملی، مورد استفاده واقع می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۳).

۱. تحلیل مفهومی (Conceptual Analysis) کارآمدترین مبنا در تعریف است که برخلاف تعریف حقیقی (Real Definition)، در امور غیرماهوی به کار می‌رود و در واقع «تعریف لفظی» بوده و شامل اجزای ماهوی (جنس و فصل) نیست. (رک: فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، ص ۱۵۱-۱۵۳/اژه‌ای، محمدعلی، مبانی منطق، مبحث تعریفات). اقسام تعریف در فصل «مراحل تحقیق» به تفصیل بیان خواهد شد.

2. Epistemology.

## ۱۱-۱. کاربرد

میزان و نوع استفاده‌های گوناگون هر شیء است که در آن هنوز محقق نشده یعنی به صورت قوه وجود دارد<sup>۱</sup>.

## ۱۲-۱. تبیین رابطه‌ها

پس از بررسی واژه‌ها، برای روشن شدن بهتر معانی لغات، رابطه برخی کلمات را بررسی می‌کنیم:

## ۱. رابطه‌های واژه «تحقیق»؛ لغت تحقیق با برخی الفاظ، دارای روابط قابل

توجهی است؛ مثل ارتباط با:

**الف. پژوهش:** در پژوهش، تکیه بر کنکاش و جستجو است، اما به دلیل آنکه تحقیق از ماده «حق» گرفته شده، رسیدن به حق و حقیقت، مهم‌ترین محور و عنصر تحقیق می‌باشد؛ از این رو «تحقیق» دارای بار ارزشی خاصی است که سمت و سوی نتایج علم را می‌تواند دگرگون کند. در واقع اگر به معنای دقیق واژه‌ها توجه شود، هدف اصلی محقق، دستیابی به حقیقت می‌باشد، در حالی که واژه عالم یا پژوهشگر، بیشتر بر کنکاش، جستجو و یافتن اطلاعات تکیه دارد<sup>۲</sup>.

۱. کارکرد: عمل، کار انجام شده، حاصل و میزان کاری که انجام شده است (ر.ک: فرهنگ فارسی، محمد معین). Function: نقش، وظیفه (فرهنگ علوم اجتماعی، آلن بیرو، ۱۳۶۶).

۲. حقیقت و واقعیت: در تفاوت تحقیق و پژوهش به محور بودن «حقیقت» اشاره شد؛ از این رو مناسب است نگاهی به تفاوت حقیقت و واقعیت داشته باشیم. حقیقت در اصطلاح، محصول افکاری است که به نحو علمی هدایت شده‌اند (قائمی، ۱۳۷۲، ص ۳۱). برخی صاحب نظران، تفاوتی میان حقیقت و واقعیت قائل نشده و عقیده دارند: گذشته از تعبیر متفاوتی که فلاسفه برای معنای حقیقت و واقعیت دارند؛ از نظر متدولوژی تحقیق، این دو، عبارت است از ملاحظات و مشاهداتی که قابل اثبات باشند. بنابراین مطالب علمی، حقیقی و واقعی هستند (نبوی، ۱۳۵۴، ص ۳۷ و ۳۸).

برخی دیگر در تفاوت این دو واژه گفته‌اند: حقیقت به معنای چیزی است که در جای اصلی خود قرار گرفته و مجاز مقابل آن است. ابن سینا عقیده دارد: هر چیزی، حقیقتی دارد که شیئیتش متکی به آن است؛ بنابراین حقیقت به معنای امر صحیح، ثابت و مطابق با حق می‌باشد، برای اطلاع بیشتر از تعاریف حقیقت، (ر.ک: فنائی اشکوری، محمد، ۱۳۷۸، تعهد به حقیقت، ص ۱۴-۱۹)، اما واقعیت یعنی آنچه تحقق و فعلیت یافته و واقع شده است [ر.ک: صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ۱۳۶۶، ترجمه

ب. منطق: رابطه تحقیق با منطق را می‌توان چنین توضیح داد: تحقیق، تلاشی هدفمند و نتیجه تفکر است و منطق، ابزار تفکر صحیح می‌باشد. در واقع، تحقیق، فرایندی است که محصول به‌کارگیری قواعد درست اندیشیدن می‌باشد و منطق، علمی است که این قواعد را به تفصیل بیان داشته و زمینه‌های اشتباه و خطا را گوشزد می‌کند (کیاشمشکی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۴).

ج. روش علمی: برخی، تحقیق و روش علمی را مترادف می‌دانند، اما جان بست معتقد است که تحقیق دارای فرایند ویژه، رسمی‌تر و عمیق‌تر از روش علمی است. در واقع بین این دو مفهوم، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی گاه روش علمی را در انجام یک کار فیزیکی و بدون انجام تحقیق به کار می‌گیریم، ولی تحقیق را بدون روش علمی نمی‌توان انجام داد (دلاور، ۱۳۸۸، ص ۳۰/ بیابانگرد، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۹ و ۳۰).

۲. رابطه‌های «روش تحقیق»؛ روش تحقیق با واژه‌های: معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، منطق و اصول فقه دارای ارتباط معناداری است؛

الف. معرفت‌شناسی: روش تحقیق با معرفت‌شناسی دارای رابطه‌ای عمیق و بسیار تأثیرگذار است. شاید در نگاه اول این ارتباط به نظر کم‌رنگ و دور باشد، اما با مقداری تأمل معلوم می‌گردد روشی که دانشمندان برای تحقیق و شناسایی پدیده‌های اطراف خود برمی‌گزینند، با نوع معرفت‌شناسی و دیدگاه آنان نسبت به جهان ارتباط مستقیم دارد. در یک جمله می‌توان گفت: به عنوان مثال کسانی که برای تحقیق و کشف حقایق جهان، فقط به ابزار حس تکیه می‌کنند (حس‌گرایان) و دارای جهان بینی مادی هستند، روش تحقیقشان نیز فقط بر اساس مشاهده، آزمایش و تجربه است (ر.ک: صدر، بی‌تا، ص ۴۷-۴۸؛ حافظ‌نیا، ۱۳۸۰، ص ۵).<sup>۱</sup>

منوچهر صانعی، مدخل حقیقت و واقعیت (اقتباس). با توجه به معنای واقعیت و حقیقت و تعریفی که از «روش تحقیق» ارائه شد، باید گفت: حقیقت و واقعیت هر دو در حیطه هدف روش تحقیق قرار گرفته و با آن مرتبط می‌شوند.

۱. به علت اهمیت این ارتباط، با عنوان «رابطه روش تحقیق با جهان بینی» در آخر کلیات، به طور

ب. روش‌شناسی: روش تحقیق با روش‌شناسی (متدلوژی) نیز دارای پیوندهایی است، مثل اینکه روش‌شناسی قسمتی از علم روش تحقیق است. چنان‌که گذشت روش‌شناسی به بررسی شیوه‌های گوناگونی می‌پردازد که علوم باید در تحقیقات خود به کار برند، چون هر علم، برای خود روش تحقیق ویژه دارد؛ به‌طور مثال در علوم مربوط به طبیعت باید از استقرا و سپس از قیاس استفاده کرد (سیاسی، ۱۳۵۲، ص ۱۳۵ و ۱۳۶؛ Juppe, 2006, p. 175؛ Frankfort, 1992, p. 14). تبیین این شیوه‌ها، قسمتی از علم روش تحقیق را تشکیل می‌دهد که به‌طور متداول در بحث انواع تحقیق، پژوهش‌ها را به تجربی، استقرایی، قیاسی و... تقسیم می‌کنند که در واقع همان روش‌شناسی است.<sup>۱</sup>

ج. منطق: روش تحقیق، در حقیقت به‌مثابه منطق تحقیق است و همان‌گونه که انسان در انتقال اندیشه خود به دیگران، از فرمول‌های منطقی استفاده می‌کند، در مورد روش تحقیق نیز چنین است؛ یعنی معیارهایی که انسان در تحقیقات خود به کار می‌برد؛ همان قواعد منطقی می‌باشد که به تدریج تدوین شده و به صورت علم درآمد است (نادری، ۱۳۸۲، پیش‌شماره ۱، ص ۷۲)، البته باید توجه داشت که روش تحقیق و منطق قدیم<sup>۲</sup> هرچند در موضوعات حساس و مهمی مانند استقرا، قیاس برهانی، تحلیل، روش‌شناسی و تعلیل، مشترک هستند، اما نقاط افتراق مهمی هم دارند: در روش تحقیق به ابزار پژوهش (پرسشنامه و...)، مراحل تحقیق، آمار و... اهمیت داده می‌شود و در مقابل، منطق به انواع تعریف، مباحث الفاظ، انواع مغالطه، جدل، انواع قضایا و... می‌پردازد. ولی درنهایت، هر دو علم در دو پایه مهم و اساسی پژوهش، یعنی: جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها، مشترک هستند و در واقع، روش تحقیق در

مشروح به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۱. روش‌شناسی، تعریف‌های دیگری هم دارد که از موضوع ما خارج است.

۲. منظور، منطقی است که منطق صوری و عملی (روش‌شناسی) را شامل می‌شود.

هر دو رکن، از منطق کمک می‌گیرد و میان علوم، دانشی را نمی‌توان یافت که به اندازه منطق، به روش تحقیق نزدیک باشد.

جان دیوئی می‌نویسد: «صلاحیت منطق قدیم به عنوان وسیله تحقیق در مسائل موجود علمی، یک مسئله شایان توجه است». او درباره پیوند روش شناسی، منطق، روش علمی و تحقیق عقیده دارد: «متدلوژی کاربرد منطق است، منطق با تحقیق و تحقیق با روش علمی ارتباط دارد، تحقیق همان تفکر است و روش علمی، مراحل تحقیق را نشان می‌دهد» (دیوئی، ۱۳۶۹، ص هشت و ۸ و ۱۰۴).

د. اصول فقه: صاحب نظران حوزه اصول فقه، این علم را چنین تعریف کرده‌اند: قواعدی که برای استنباط حکم شرعی آماده شده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۳۱۴، ص ۲۳). برخی دیگر گفته‌اند: «علم به عناصر مشترک برای استنباط حکم شرعی است» (صدر، ۱۳۷۰، ص ۹). بعضی با دیدی وسیع‌تر به اصول فقه نگریسته و آن را علمی نمی‌دانند که تنها توانایی استخراج فقه و احکام شرعی را دارد بلکه عقیده دارند: علم اصول، دانش استنباط معارف و علوم اسلامی است و به فقه محدود نمی‌شود. در مقدمه کتاب درس خارج اصول آیت الله محمد فاضل لنکرانی آمده است: «علم اصول فقه از مهم‌ترین فنونی است که نه تنها منطق فقه و استنباط احکام شرعی، بلکه منطق فهم کتاب و سنت در جمیع ابعاد آن است» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵).

به عبارت دیگر، برخی از قواعد اصولی، قوانین عام محاورات بشری است؛ بنابراین اختصاص به فقه و فهم تفسیر ندارد و چنین نیست که فقط برای استنباط فقهی، مورد استفاده واقع شود (لاریجانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۳۹). در گذشته و حال علمایی را می‌شناسیم که این اصول و قواعد را در استنباط معارف دیگر نیز به کار گرفته‌اند. به طور مثال در انسان‌شناسی قرآن، با کمک علم اصول و قواعد آن، نظام تربیتی انسان را از دل کتاب و سنت می‌توان بیرون کشید (لاریجانی، ۱۳۸۵، ص ۵۴۲-۵۴۳). صاحب نظر دیگری می‌گوید: «قواعد و مباحث علم اصول فقه اختصاص به فقه ندارد، این قواعد زمینه را فراهم می‌کند تا در

همه معارف کتاب و سنت بتوان به استنباط پرداخت» (غروی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۵۵). حتی برخی اندیشمندان اعتقاد دارند که از روش و قواعد اصول فقه در علوم طبیعی و انسانی مثل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز می‌توان بهره برد و نظریه‌هایی ارائه نمود (غروی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۵۸).

یکی از اندیشمندان، گستره علم اصول را به تمام مباحث استنباطی، گسترش داده است به گونه‌ای که آن را به همه دانش‌های استنباطی دین، بتوان تسری داد (شاهرودی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۸۷). ایشان به جای «اصول فقه»، اصطلاح «اصول اجتهاد» را به کار برده و آن را چنین تعریف می‌کند: دانش اکتشافی آلی متعلق به همه شناسه‌ها، گزاره‌ها و محتوای استنباط‌پذیر دین است (شاهرودی، ۱۳۸۵، ص ۵۹۱-۵۹۲). به هر حال، تعدادی از اندیشمندان اسلامی، علم اصول فقه را «منطق علوم دینی» دانسته و می‌گویند: «هر کس بخواهد در عرصه معرفت دینی - نه فقط فقه - کار کند باید اصول فقه را به خوبی بداند»<sup>۱</sup>.

در مجموع ملاحظه می‌شود که روش تحقیق، علمی میان‌رشته‌ای است و با دانش‌های منطق، روش‌شناسی، اصول فقه و معرفت‌شناسی در ارتباط می‌باشد. با توجه به واژه‌های تعریف شده، موضوع اصلی نوشتار حاضر: بررسی موارد استفاده از علم منطق و اصول فقه در روش تحقیق است.

**حاصل سخن:** هدف اساسی از این مفهوم‌شناسی، جلب توجه محققان به دو علم است که کارکرد و کاربرد عمیق و گسترده‌ای در تحقیقات داشته و در روش تحقیق مورد استفاده جدی می‌توانند قرار بگیرند. دو علمی که با همکاری دوجانبه با روش تحقیق، پژوهشگران را به روش‌های جامع، عمیق و کم‌خطاتری رسانده، حاصل تحقیقات را پربار و کارآمدتر می‌سازند. به نظر می‌رسد در جوامع فرهنگی و حتی دینی معاصر، نقش جدی دو علم دانش منطق و اصول فقه، در روش تحقیق، ناشناخته مانده است.

۱. برای اطلاع بیشتر (ر.ک: بابایی، علی‌اکبر و دیگران، ۱۳۷۹، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۳۶۳/سند، محمد، «گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمد سند»، پژوهش و حوزه، سال دوم، ۱۳۸۰، ش ۵، ص ۸۶).

**۲. پیشینه**

برای بررسی تاریخچه روش تحقیق، دو حوزه غرب و اسلام، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

**۱-۲. پیشینه علم و روش تحقیق در غرب**

مرور تاریخ علوم نشان می‌دهد، میان دانش‌های بشری، تا حدود قرن ۱۷ میلادی، کتابی با عنوان خاص «روش تحقیق» دیده نمی‌شود. جهان در قرن ۱۹ و به‌ویژه سراسر قرن ۲۰، شاهد انتشار کتب متعدد و متنوعی در عرصه روش تحقیق است. اگر دایره نگاه را به کتاب‌هایی که نام «روش تحقیق» را بر خود دارند؛ محدود نکنیم، با دو دسته کتاب مواجه می‌شویم: اول؛ کتاب‌هایی که هدف اصلی آن‌ها بیان مسائل علم فلسفه، هیئت، علوم طبیعی و... است؛ اما به‌طور ضمنی و پراکنده به روش‌های بررسی پدیده‌ها و شیوه‌های تحقیق در آن‌ها پرداخته‌اند و در واقع ترکیبی از روش تحقیق، روش شناسی و... هستند. دوم؛ تألیفاتی که به‌صورت ویژه درباره روش تفکر، شیوه کشف مجهولات و دستیابی به واقعیت، نگاشته شده‌اند. کتاب‌های گذشتگان از نوع اول است و نگاشته‌های قسم دوم، مربوط به قرون جدید، به‌ویژه قرن ۲۰ و ۲۱ میلادی است. پیشینه علم در غرب، طی پنج مقطع قابل بررسی است: (۱) قرون قدیم (۲) قرون وسطی (۳) رنسانس (۴) قرون جدید و پست مدرن.

**مقطع اول: قرون قدیم**

گریبان دوران قبل از میلاد حضرت مسیح (ﷺ) تا قرن ۴م. را قرون قدیم نامیده‌اند. در این دوره دو تمدن، به‌طور عمیق بر فرهنگ و تمدن غرب اثر گذاشته‌اند: یونان و روم.

یونانی‌ها صاحب نظران زیادی را به تاریخ بشر تقدیم نموده‌اند که نام سه تن از درخشش بیشتری برخوردار است: سقراط، افلاطون، ارسطو. از میان این سه نفر نام منطق در شرق و غرب عالم با «ارسطو» پیوند خورده است. سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م) و منطق دیالکتیک: درستکاری و میانه‌روی



فضیلت‌هایی بودند که سقراط با «روش سقراطی» خود آموزش می‌داد؛ یعنی از طریق جدل (منطق دیالکتیک) از شاگردانش پرسش‌هایی می‌کرد و درنهایت، پاسخ‌ها را با استفاده از دانسته‌های پیشین شاگردان به دست می‌آورد. دیالکتیک یک روش مباحثه است، به این معنا که شخص به عنوان مقدمه، حکمی غیرقابل انکار - که بر تجربه‌ای ساده استوار است - را ارائه می‌دهد، سپس بحثی پیچیده را با استفاده از قواعدی روشن و منطقی، روی آن مقدمه می‌سازد و بالا می‌برد (رنان، ۱۳۶۶، ص ۱۱۴-۱۱۷ / بزغال، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۳).

افلاطون (۴۲۷-۳۴۷ ق.م)؛ شاگرد، همدم و مروج اندیشه‌های سقراط بود و بر آیندگان - در داخل و خارج یونان - تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشت. نظریه مُثل افلاطون شالوده کل بینش فلسفی او بود و همه نظرات علمی او را زیر سیطره داشت. ارسطو مهم‌ترین چهره در علم یونان است. آثار نخستین او از ارج فراوان ریاضیات نزد وی حکایت می‌کند، اما بیشتر مطالعات وی راجع به استفاده از روش‌های جدلی پرسش و پاسخ برای تشکیل بدیهیات است. ارسطو در موضوعات مختلف، از جمله زیست‌شناسی، اخترشناسی و فیزیک، دانش بسیاری گردآورد و در مشاهداتش روش منطقی دقیق خود را به کار بست؛ یعنی جویای علل مختلف چیزهایی می‌شد که مشاهده می‌کرد، مثل این که چرا اجسام به زمین می‌افتند؟

منطق ارسطویی؛ عرصه‌ای که روش علمی ارسطو را حین عمل به خوبی در آن می‌توان دید؛ منطق است که ابزار دقیق بیان فلسفی است. او در تعدادی از آثارش از جمله در مقولات و در کتاب تحلیلات، شروع به وضع قوانینی برای تعقل کرد و در نتیجه قضایا، سفسطه‌ها، طرز استدلال صحیح، و نظام استنتاجی بحث‌صوری (قیاس)، مشخص شد. آنچه ارسطو کرد، ساختن بنیادهای استوار برای علم بود (رنان، ۱۳۶۶، ص ۱۳۴-۱۴۷).<sup>۱</sup>

۱. به علت اهمیت نقش منطق در روش تحقیق، پیشینه و سیر تاریخی علم منطق در پایان این مبحث ادامه در صفحه بعد

**مقطع دوم: قرون وسطی (۴۰۰-۱۵۰۰م)**

قرون وسطی را به سه پاره تاریخی می‌توانیم تقسیم کنیم: سده‌های تاریک (۴۰۰-۱۲۰۰م)؛ پیدایش علوم اسلامی (۹۰۰-۱۲۰۰م) و عصر تأثیر دانش مسلمانان (۱۲۰۰-۱۵۰۰م). مشرب فکری سده‌های تاریک، به صورت عمده از سه عامل تأثیر پذیرفته بود: نگرش‌های دینی قدیس آگوستین، فلسفه افلاطونی و آموزه‌های منطقی ارسطو.

علمای مغرب‌زمین در این عصر در جوی معارض با تفکر و تحقیق آزاد و مستقل به سر می‌بردند، تا در قرن دوازدهم میلادی که بمب فکری معارف اصیل یونان در غرب توسط ترجمه‌های لاتین متون اسلامی منفجر شد. (رنان، ۱۳۶۶، ص ۳۵۴-۳۵۵ / چند تن از اساتید فلسفه غرب، ۱۳۷۰، ص ۱۴۱-۱۴۲).

**نگاهی به نگارش‌های مرتبط با روش تحقیق در قرون وسطی:**

گفتیم نگارش‌های علمی در قرون نخست تاریخ، بشری، به بیان مسائل مرتبط با علوم تجربی و طبیعی پرداخته و به طور ضمنی به موضوع «روش» بررسی پدیده‌ها هم اشاراتی دارند، این نگاه‌ها، به نوعی نخستین کتاب‌های مرتبط با روش تحقیق محسوب می‌شوند.

هرچند در این زمان، دانشمندان غربی متون علمی ارسطو را در اختیار داشتند، اما این موضوع، باعث ایجاد هیچ تغییر ارزشمندی در مسیر اندیشه نشد. تأثیر مهم در کل پیکره دانش، علمی است که با مسلمانان آغاز گردید. دانشمندان قرون وسطی از لحاظ استدلال و کسب تجارب بسیار توانا بودند، ولی این تجربه‌ها در خلوت انتزاع باقی ماندند.

در نحله نوافلاطونی (۵ و ۶م) آتن طی این دو قرن، مطالعه و شرح آثار منطقی ارسطو توسعه یافت، آمونیوس تفسیرهایی بر اصول ارسطویی نوشت. المپیور، سمپلیسیوس، فیلوپون و ... نیز تحلیل‌ها و شروحاتی بر آثار ارسطو نگاشتند. کاپلا

در دایرةالمعارف صنایع ذوقی، گزارشی از منطق ارسطو داد.

در اخترشناسی کتاب المجسطی بطلمیوس در سال ۱۱۷۵ به وسیله گِرارد (ژرارد) کرمونایی از زبان عربی به لاتین برگردانده شد. مطالعه این کتاب همراه با جدولی که به فرمان پادشاه در قرن سیزدهم و بر مبنای مشاهدات مسلمانان ساخته شده بود؛ ادامه اخترشناسی هلنیستی را در دنیای مسیحیت میسر ساخت.

پطرزائر (۱۳م) در مطالعات تجربی راجع به نیروی مغناطیس پیش قدم بود و حتی جزوه‌ای هم در این باره منتشر کرد. بیکن، عالم و عضو فرقه راهبان بود، او به خاطر نوشته‌هایش در زمینه علوم تجربی و کاربرد روش تجربی شهرت یافته است، وی مجموعه آثاری در زمینه ستاره‌شناسی، فیزیک، علم نور و بینایی نوشت که مهم‌ترین آن‌ها کتاب اکبر است.

ایجاد سازگاری میان ایمان آگوستینی و خرد ارسطویی برای افراد خاص، حائز اهمیت و این سازگارکننده، توماس آکوئیناس بود. این که خرد انسان می‌تواند دست‌کم برخی حقایق را بدون اشراق الهی بفهمد، توسط او مطرح شد.

تمایل به «جامع الفنونی» در قرون وسطی به اوج خود رسید و نه تنها در طرح عظیم منطقی توماس آکوئیناس (در کتاب مدخل الهیات)، بلکه در کارهای دیگری نیز که حاوی دانش کلی بودند، رخ نمود. از جمله می‌توان به آثار بارتولومئو انگلیسی حدود سال‌های (۱۲۳۰-۱۲۴۰) و ونسان بووه (سال مرگ ۱۲۶۰) که کتاب وی آینه اعظم (speculum Maws) تا زمان انتشار دایرةالمعارف فرانسه در قرن هجدهم از لحاظ قطور بودن بی نظیر بود، اشاره کرد.

دانته آلیگیری (۱۲۶۵-۱۳۲۱) نماینده فرهنگ قرون وسطی و پدر رنسانس در ایتالیا است. مهم‌ترین اثر او، نمونه کلاسیکی از دیدگاه قرون وسطایی است. در اثر ناتمام «میهمانی»، هدف دانته نوشتن مجموعه‌ای از معرفت عمومی بشر بود. کتاب مقررات کالج جدید آکسفورد که در سال ۱۴۰۰ میلادی منتشر شد، بیانگر سلسله مراتب پذیرفته شده معرفت در قرون وسطی است. از هفتاد نفر پژوهشگر آن کالج، دوازده نفر در حقوق مدنی، ستاره‌شناسی و پزشکی تحقیق می‌کردند.